

# سرمقاله

## تبلیغ و رسالت‌های مبلغان\*

علیرضا اعرافی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله. الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا و طيب نفوسنا و شفيع ذنوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الاطهرين سيما بقية الله في الارضين ربنا عليك توكلنا و اليك انبنا و اليك المصير.

خداوند را شاکر و سپاسگزار هستیم که به همه ما اجازه فرموده تا در زمرة مبلغان دینش قرار بگیریم و در محفلی که عزیزان مبلغ آماده رسالت و وظایف الهی خودشان می‌شوند، توفیق حضور داشته باشیم.

من در آغاز از همه دوستان و عزیزان که آماده عزیمت به سفر تبلیغی هستید، تقدیر و تشکر می‌کنم و از دوستانی هم که در تمهید مقدمات برای اعزام‌های تبلیغی سهیم‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

سخنانی که در این محفل و محضر مبارک و نورانی خواهم داشت، در چند بخش ارائه می‌شود:

---

\* سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی ریاست محترم جامعه المصطفی<sup>ع</sup> در جمع مبلغان.

## ۱. خصایص و ویژگی‌های مبلغ

در این باره سخن فراوان گفته شده است که یادکرد آن، خالی از نفع نیست، هیچ چیزی در توفیق یک حرکت تبلیغی مهم‌تر از شخصیت تبلیغی و ویژگی‌های شخصیتی او نیست. شخصیت متعالی و مخلص مبلغ، می‌تواند بسیاری از ضعف‌ها و کاستی‌ها را جبران کند.

اگر در سراپای وجود مبلغی عشق و اخلاص و ایثار و خداخواهی و خداجویی موج بزند، این عشق به خدا و ایثار، بسیاری از ضعف‌های دیگر را می‌تواند بپوشاند. ما در حوزه‌های خودمان، علمای اخلاقی و مدرسان بزرگی داشته‌ایم که احياناً در روش و شیوه چندان هم از قوت برخوردار نبودند، ولی به دلیل آن عمق شخصیتی و عظمت روحی، دایره اثرگذاریشان، بسیار وسیع و گسترده بوده است. از این روست که یک عالم دینی و مبلغ «رسالات الله» بیش از هرچیز، باید بر این سرمایه‌های ذاتی و شخصی خود تأکید بکند و از ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های بالای معنوی برخوردار باشد. این صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی، و علمی، می‌تواند بر بسیاری از مسائل دیگر سایه بپفکند و یک انسان را در عرصه هدایت جامعه و در عرصه تبلیغ و در میدان اثرگذاری بر جامعه و دیگران، کامیاب و موفق بکند. این اوصاف شخصی و صلاحیت‌های ذاتی یک مبلغ، نقش اول را در انجام رسالت و ایفای رسالت الهی دارد.

اگر به قرآن کریم هم مراجعه بکنیم، می‌توان ده‌ها نکته را در این مورد برشمرد که در این بخش، به بعضی از نکات اشاره می‌شود.

بخش اول سوره «اعلی» در واقع تصویری از شرایط «پیامبری» است که باید آماده ایفای رسالت پیامبری بشود و جامعه را تغییر بدهد و انسان‌ها را به سمت خدا هدایت بکند.

در این سوره شریفه، یک مسیری تصویر شده است که ما می‌توانیم از همان برای این موضوع الگو بگیریم. فرازی از سوره اعلی با تسییح خدا شروع می‌شود: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى \* وَالَّذِي أَوْحَىٰ أَلْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّكَ الْأَعْلَى \*﴾



غُثَاءً أَحْوَى<sup>۱</sup> فراز دوم این سوره بدین قرار است: ﴿سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَىٰ \* إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ﴾.<sup>۲</sup> در فراز سوم می‌فرماید: ﴿وَتُيسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ﴾<sup>۳</sup> فراز چهارم این‌گونه است: ﴿فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ﴾<sup>۴</sup>

برای اینکه پیامبر به مقام «مذکر» بودن برسد و به عنوان یک مبلغ یادآور جامعه و انسان‌ها برسد، در این سوره، سه مرحله پیش‌بینی شده است. این می‌تواند یک الگو باشد که ما هم از آن الهام بگیریم.

«مذکر» تعبیر دیگری از «مبلغ» است و تبلیغ دین در خطوط اصلی آن، در واقع «تذکره» است. از آن رو که حقایق ثابت دین و مبانی و مبادی اصلی دین، ریشه در ذات آدمی و فطرت انسان دارد، تعبیر «ذکر» و «تذکره» و «مذکر» در قرآن بسیار وجود دارد. قرآن «تذکره» است و پیامبر «مذکر» است و تأکید بر واژه «تذکره» به خاطر این نکته است که حقایق دین، تحمیل از بیرون نیست. حتی این تعبیر بیش از «تعلیم» و «تبلیغ» در قرآن وجود دارد و مطمئناً رازش این است که آن خطوط اصلی که شما جامعه و جهان (انسان‌ها) را به آن فرا می‌خوانید، در عمق وجدان و روح و روان انسان‌ها حضور دارد و نقش مبلغان دین این است که «يُثِيرُوا لَهُم دِفَائِنَ الْعُقُولِ»<sup>۵</sup> و به تعبیر قرآن، مذکر مردم‌اند.

خوب برای اینکه پیامبر مذکر و «یادآور» انسان‌ها باشد، پیش از آن، باید سه مرحله را طی کند. خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ﴾.<sup>۶</sup> امر به تسبیح در اینجا یک تکلیف عام نیست که همه انسان‌ها به تسبیح خداوند فراخوانده شده باشند، بلکه این تسبیحی است به عنوان مقدمه برای اینکه انسانی مبلغ بشود و برای اینکه کسی مذکر جامعه بشود. این تسبیح، تسبیحی طریقی است تا جان انسانی چنان پاک بشود که بتواند جان‌ها را پاک بکند و انسان‌ها را دستخوش تغییر بکند.

۱. اعلیٰ (۸۷)، آیه ۵-۱.

۲. اعلیٰ، آیه ۷-۶.

۳. اعلیٰ، آیه ۸.

۴. اعلیٰ، آیه ۹.

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱.

۶. اعلیٰ، آیه ۱.





بنابراین، گام نخست در مذکر و مبلغ بودن، تسبیح الهی است که خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾<sup>۱</sup>. این تسبیح در قرآن، مظهر تنزیه خداست و هیچ حمد و توصیف الهی بدون پیوست تسبیح، ارزشی ندارد. همه بزرگان گفته‌اند: حمدها و توصیف‌های ما نسبت به ذات اقدس الهی، همه ناقص است و هنگامی می‌توانیم روی آنها حساب باز نکنیم، که یک پیوست تسبیح داشته باشد. تسبیح گاهی به جمادات نسبت داده شده است. گاهی به انسان‌ها، و گاهی به ملائکه؛ ولی بالاترین تسبیح، تسبیح پیامبر خداست. در قرآن سوره‌هایی هست با عنوان «مَسْبُوحَات»، یعنی سوره‌هایی که با آیه تسبیح شروع شده، ولی سوره اعلی با امر نمودن به پیامبر نسبت به تسبیح خدا آغاز شده است.

بالاترین تسبیح‌ها، تسبیح پیامبر است. ظرفیت درک پیامبر نسبت به خداوند و عالم و جهان و هستی، ظرفیتی است که بیش از همه انسان‌هاست. خداوند اولین گام را برای اینکه کسی به مقام تبلیغ کردن و تذکر دادن برسد، تسبیح الهی قرار داده است و خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: خدای خودت را تنزیه بکن، او را از هر آلودگی پاک بدان، و بالاتر اینکه خدا را از همین چیزهایی که می‌گویی، پاک بدان. تنزیه خدا از آلودگی‌ها، یک بعد تسبیح است، ولی بعد مهم‌تر تسبیح، تسبیح خدا از همین توصیف‌هایی است که ما می‌کنیم. رتبه اول تسبیح این است که خدا را از صفاتی چون عجز و جهل و مانند آن منزّه می‌کنیم، ولی تسبیح بالاتر این است که خدا را حتی از آنچه که ما او را به آن وصف می‌کنیم، تنزیه می‌کنیم؛ چون ذهن ما کشش درک وصف‌ها را ندارد.

تسبیح در ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾<sup>۲</sup> همه این تسبیح‌هاست؛ آن هم خطاب به پیامبر. این عالی‌ترین مقامات تسبیح و تنزیه الهی است. بنابراین، رکن نخست در تبلیغ این است که جان مبلغ باید سرشار از دیدگاه و رویکرد الهی و توحیدی باشد که محور این رویکرد توحیدی، تسبیح خداست؛ یعنی مبلغ باید با همه وجودش موحد باشد، مسبِّح باشد، و حامد خدا باشد، این رکن اول تبلیغ است.

رکن دوم چیزی است که در فراز دوم این سوره آمده است. خداوند در این فراز

۱. اعلی (۸۷)، آیه ۱.

۲. اعلی، آیه ۱.

می‌فرماید: ﴿سَتُقَرَّبُكَ فَلَا تَنسَى﴾<sup>۱</sup>؛ ما برای تو قرآن را خواهیم خواند، به گونه‌ای که آن را از یاد نبری؛ یعنی لازمه و شرط برای اینکه پیامبری بکنی و مدگر جامعه باشی و جهان و انسان را تغییر بدهی، این است که اهل فهم معارف دین و قرائت دین و قرآنی باشی که تمامی معارف الهی در آن جمع است.

بنابراین، قدم بعد این است که تو باید یک آگاهی وسیعی پیدا بکنی. ما تمام حقایق الهی را در قالب قرآن بر تو می‌خوانیم؛ به گونه‌ای که آن را فراموش نمی‌کنی. پس لازمه کار مدگریت و مبلّغیت، احاطه بر معارف دین و آشنایی با حقایق قرآن و معارف دین است. خدا می‌گوید: ما این معارف را به تو می‌سپاریم، تو هم خدا را تسبیح بکن.

رکن سوم از فراز بعدی فهمیده می‌شود: ﴿وَتُؤَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾<sup>۲</sup>؛ مفسران معمولاً می‌گویند که در اینجا موصوفی محذوف وجود دارد؛ مثلاً «اللطريقة اليسرى» بوده و «يسرى» صفتی است که موصوف آن محذوف است؛ بدین معنا که تو را با شیوه‌های آسان که بتوانی در دیگران تأثیرگذار باشی، مانوس و آشنا می‌کنیم.

این سه فراز سوره اعلی، سه ضلع اصلی در اوصاف و ویژگی‌های مبلغ را بیان کرده است؛ منتهی در اوج و مرحله بالای آن، که مصداقش شخص پیامبر خداست. اولین ضلع پایه‌های مبلغ دین، تسبیح خدا، حمد خدا، توحید و توجه به عالم قدس و خداوند است. این بعد مربوط به جان و روح انسان است، یعنی بعد اخلاقی، روحی، معنوی و عبادی. دومین ضلع آن، این است که یک معرفتی حقیقی به تو می‌دهیم که در تو ثابت بماند؛ یعنی شناخت تو، شناخت کاملی باشد. این مربوط به بعد علمی و معرفتی است. ضلع سوم هم این است که از لحاظ مهارت و فنون مهارتی، تو را به بهترین شیوه‌ها هدایت می‌کنیم.

بنابراین، در سوره اعلی این سه ضلع اساسی برای توفیق انسان در تبلیغ دین بیان شده است. اینها مبتنی بر یک قاعده عقلی و کلی است که می‌شود از آنها برای همه مبلغان و در همه موارد الهام و درس گرفت؛ هرچند که در اینجا با بیانی شیوا و زیبا در

۱. اعلی (۸۷)، آیه ۶.

۲. اعلی، آیه ۸.





ارتباط با خود پیامبر ﷺ است: یکی ضلع روحی و معنوی و اعتقادی، دیگری ضلع معرفتی که مبلغ باید آگاه به قرآن و معارف دین باشد و این آگاهی باید آگاهی جامع و عمیقی باشد، و ضلع سوم، بعد مهارتی و روشی است: ﴿و نُیَسِّرْكَ لِلْيُسْرَى﴾؛ ما تو را به شیوه‌های دل‌پسند، هدایت می‌کنیم؛ شیوه‌های جذاب و روش‌هایی که در دیگران به سرعت و خوبی اثر بگذارد.

پیامبر اکرم ﷺ به همه اینها مجهز شد، و با آمادگی بود که در یک فاصله کوتاه زمانی، جهانی را تغییر داد.

پیامبر ما در کمتر از ربع قرن طول دوره رسالت و تبلیغ علنی خود، همه عالم را متحول کرد و این بسیار مهم است. این همان عنایت الهی و تربیت‌خدایی بود که حضرت می‌فرماید: «ادَّبَنِي رَبِّي فَاحْسِنْ تَأْدِيبِي»<sup>۲</sup> خداوند او را این‌گونه تأدیب کرد.

پیامبر خدا به همه اینها یعنی روح معرفتی، روشی و مهارتی مجهز بود و هر کسی در این سه میدان خود را بیشتر بسازد، طبعاً به آن‌الگوی اعلی و اسوه حسنه و قدوه عالیه و راقیه عالم و جهان، یعنی پیامبر خدا، نزدیک‌تر می‌شود.

ما در طول دوره‌ای که تحصیل می‌کنیم، باید به این اوصاف و خصایص مجهز بشویم. رسالت حوزه، تبلیغ دین است؛ البته تبلیغ دین به معنای عام.

تبلیغ دو معنا دارد: یک معنای خاص دارد، در مقابل تدریس و تحقیق. این معنای خاص تبلیغ است که در حوزه یک عده به تبلیغ پردازند، یک عده مدرس شوند، یک عده محقق شوند و ...

اما تبلیغ دارای یک معنای عامی هم هست که روح همه فعالیت‌های حوزه است، و فلسفه وجودی حوزه، تبلیغ به معنای عام می‌باشد. معنای عام این است که ما پیام دین را به ذهن و ضمیر روان بشریت منتقل بکنیم و جامعه را تحت تأثیر پیام‌های دین و ارزش‌های الهی قرار بدهیم. اگر تبلیغ را به این معنا در نظر بگیریم و به مفهومی بگیریم که می‌فرماید: ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾<sup>۳</sup>، این دیگر قسم تدریس و تحقیق و تألیف

۱. اعلی (۸۷)، آیه ۸.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۸

۳. یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۸.



و مدیریت و سایر مسائل نیست؛ بلکه شامل همه اینهاست که روحشان تبلیغ و دعوت است. اگر یک روحانی در جایی مدیر می‌شود، مدیریت او باید دعوت الی‌الله باشد. اگر یک روحانی مدرس می‌شود، روح تدریس او باید دعوت الی‌الله باشد. اگر مؤلف می‌شود روح تألیف او دعوت الی‌الله است. اگر مترجم می‌شود، روح تلاش او دعوت الی‌الله است. اگر سخنران می‌شود، روح سخنرانی او، دعوت الی‌الله است، و اگر هم کار هنری می‌کند، روح کار هنری او دعوت الی‌الله است.

تبلیغ به معنای فراخواندن به دین خدا و دعوت به ارزش‌های الهی، معنای عامی است که روح و فلسفه حوزه است؛ به این معنا که هرکسی در هر موقعیتی که قرار می‌گیرد، هدفش این باشد که جامعه را و انسان‌ها را تحت تأثیر ارزش‌های الهی و قدسی و غیبی قرار بدهد. این نیاز به سه بعدی دارد که در این سوره آمده و بعد از اینکه به این سه بعد اشاره می‌کند، نتیجه می‌گیرد: ﴿فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى﴾؛ حالا که تو از مقام معنوی، مقام علمی، و توانایی مهارتی برخوردار شدی، به میدان عمل بیا. «ان» در اینجا یا به معنای «قد» است، و یا به قول مرحوم علامه، برای شرط است؛ زیرا تذکر همیشه اثر نمی‌کند. حالا که این جور شد، بیا تذکر بده و تبلیغ کن.

این مسئله به بیان دیگر در سوره مزمل و مدثر مطرح شده است. علی‌القاعده این دو سوره، مثل سوره علق، جزء نخستین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده است. (البته در این مسئله اختلاف هست). در هر دو سوره «مزمل» و «مدثر» به پیامبر خدا چند «امر» شده است. خداوند در سوره مزمل می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ \* قُمْ اللَّيْلَ إِنَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا \* إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾.<sup>۱</sup> در این سوره هم به شکلی، همین ابعاد مطرح شده است؛ منتها در سوره مزمل تأکید بر بعد معنوی، عبادی، روحی، و صفای باطنی است، همراه با دستورات و تأکیداتی. خداوند می‌فرماید: ﴿قُمْ اللَّيْلَ﴾<sup>۲</sup> و در آیات بعدی پیرامون آن دستوراتی



۱. اعلی (۸۷)، آیه ۹.  
۲. مزمل (۷۳)، آیه ۵-۱.  
۳. مزمل، آیه ۲.



می‌دهد و سپس می‌فرماید: ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾<sup>۱</sup> و دستور به قرائت قرآن می‌دهد. سپس می‌فرماید: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا تَقِيلاً﴾<sup>۲</sup> یک سخن گران‌باری بر تو نازل خواهیم کرد، یک سخن بسیار عظیم و سنگین و گران‌باری که قرآن باشد بر تو وحی خواهیم کرد.

زمینه دریافت آن وحی، شب‌زنده‌داری و قرائت قرآن است. شب‌زنده‌داری بکن، تا بتوانی این قرآن را که حاوی همه معارف عالم است، دریافت کنی؛ یعنی پذیرش معارف بلند قرآن به معنای حقیقی آن، متوقف بر این است. آن وقت، می‌توانی این قول ثقیل را دریافت بکنی. دریافت این امواج معارف قرآنی بدون یک استعداد و آمادگی ویژه ممکن نیست. الان امواج زیادی در فضا وجودی دارد، ولی ما نمی‌توانیم این امواج را بگیریم؛ بلکه برای دریافت این امواج، به ابزار خاصی نیاز داریم. دستگاه و زمینه‌هایی می‌خواهد تا بتواند این امواج را بگیرد. امواج معارف الهی نیز در عالم وجود دارد، ولی روحی می‌تواند این امواج را بگیرد که استعداد آن را کسب کرده باشد.

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ \* وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتْتِيلاً \* رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ \* فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا \* وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ \*<sup>۳</sup> اگر جانی پیدا کردی که سرشار از این ویژگی‌های عبادی و معنوی بود، آن وقت در عرصه جامعه وارد می‌شوی، آن وقت خدا را وکیل بگیر، آن وقت صبر بکن و خدا هم در تبلیغ، تو را کمک خواهد کرد. اینها همه به ما درس می‌دهد.

ما در تبلیغ دین علی‌القاعده نباید محاسبه سود و زیان را بکنیم، این سنت اولیای الهی و سلف صالح ما نیست، اگر روحانی وقتی می‌رود جایی تبلیغ می‌کند، حساب و کتاب دارد می‌کند، سود و زیان را محاسبه می‌کند، مبالغ تعیین می‌کند، این روحانی واقعی نیست، هیچ تعارف وجود ندارد، این معنایش این نیست که دیگران هیچ وظیفه ندارند یا انسان زندگی ندارد چرا این‌ها را خدا درست می‌کند، ﴿فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾،<sup>۴</sup> قرآن

۱. مزمل (۷۳)، آیه ۴.

۲. مزمل، آیه ۵.

۳. مزمل، آیه ۵-۱۰.

۴. مزمل، آیه ۹.



تأکید می‌کند که ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾<sup>۱</sup>، البته اینکه هدیه‌ای بدهند و ما بگیریم، این مهم نیست کسی با میل و رغبت و عشق و اخلاص هدیه‌ای می‌دهد و کسی می‌گیرد. مهم آن حال روحی و روانی ماست که در ذهن محاسبه نکنیم.

درخواست من این است که به این مسئله دقت کنید. آیا در ذهن ما این معنا هست که در مقابل کاری که داریم می‌کنیم، مزدی می‌گیریم؟ اگر این ملاحظه در ذهن ما رسوخ دارد، ما مبلغ واقعی دین نیستیم. اگر یک کار دینی و مربوط به حوزه را مدیریت می‌کنم و در ذهنم این هست که در برابر این کار پولی بگیرم، این کار دینی نیست. اگر منبر می‌روم و در برابر این سخنرانی در ذهنم این معنا هست که پول بگیرم و حساب معامله مادی و سود و زیان را می‌کنم، روحانی و حوزوی واقعی نیستم. در این صورت، هنوز راه زیادی مانده تا به آنجا برسیم. ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾<sup>۲</sup>، یک قانون تبلیغ است.

نمی‌گویم کسی چیزی نگیرد، بلکه مهم آن حالت روحی ماست؛ اینکه آیا ما داریم معامله می‌کنیم؟ آیا ما اجیر شده‌ایم؟ آیا داد و ستد می‌کنیم؟ یا اینکه ما داریم با خدا معامله می‌کنیم و وظیفه را انجام می‌دهیم؟ البته نیازهای زندگی هم مطرح است و اگر کسانی بخواهند که کمک بکنند، ما هم آن را دریافت می‌کنیم، ولی این معامله نیست. اگر واقعاً ذهن یک عالم دینی و مبلغ دین این‌گونه باشد، آن وقت خواهد دید که در جامعه چقدر اثرگذار است. فکر هم نکنید که دنیایان بدتر می‌شود، بلکه دنیایان بهتر هم خواهد شد. این‌گونه نیست که دنیای ما وابسته به این نگاه معامله‌گری و سودخواهی و سود و زیان‌سنجی وابسته باشد. بنابراین، اگر روزی ما از این معامله آزاد شدیم و وارد یک معامله خدایی شدیم، آن وقت مبلغ دین هستیم.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾<sup>۳</sup>؛ اگر جان، قلم، قدم، فعالیت و تبلیغمان را برای کسب رضای الهی گذاشتیم، آن وقت مبلغ دین هستیم. این سلک امام و بزرگان دین ما بوده است. تبلیغ دین جای محاسبه سود و زیان نیست و اصلاً حوزه جای معادله‌سنجی‌های مادی نیست. کسی که حوزه را ابزاری برای دنیای خود بداند،

۱. شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

۲. شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

۳. بقره (۲)، آیه ۲۰۷.





سرمایه‌های بزرگ الهی را دارد ضایع می‌کند. ﴿فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾<sup>۱</sup> یعنی خدا را در امور زندگی وکیل خودت بگیر، در اثرگذاری تبلیغت و در همه زندگی، خدا را وکیل خودت بگیر، این اوج توحید است. ﴿فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾<sup>۲</sup> یعنی کار را به او بسپار، تو تلاشت را بکن، اما همه آثار و برکات را به خدا واگذار کن. آن‌گاه خدا می‌شود وکیل تو و اگر چنین شد، همه کارهایت سامان پیدا می‌کند. اگر در رابطه با دنیایت هم به مشکلی برخوردی، مطمئن باش که خدا در جای دیگری آن را جبران خواهد کرد. بیش از هر چیزی، «این» روح تبلیغ است. ما که می‌خواهیم به عنوان سرباز دین و حامل پیام دین باشیم، این مفاهیم معنای دیگری برای ما دارد. ما باید به گونه‌ای وارد دنیای خودسازی و تهذیب و اصلاح نفس بشویم که با آن بتوانیم دنیا را تغییر بدهیم. لازمه این امر، آن سه ضلعی است که بیان کردم.

مرحله بعد در سوره «مدثر» بیان شده است که مکمل آن چیزی است که تا به حال بیان شد. یعنی کسی که آن مراحل معنوی را در سوره مزمل طی کرده، حالا در اینجا می‌فرماید: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾<sup>۳</sup>. انسانی که شب زنده‌دار باشد، می‌تواند قیام اجتماعی هم بکند. در آن سوره مراحل بیان شده که تا یک انسان به قله‌های بلند و معنوی و عبادی برسد. وقتی کسی به آنجا رسید و از این محاسبات مادی آزاد شد، قید و بندها و زنجیرهای مادی را پاره کرد، آن وقت می‌تواند قیام به انذار کند. همه ما باید خدا را شاکر باشیم که در عصری زندگی می‌کنیم که امامی آمد و همه این ارزش‌ها را در زندگی خودش به ما نشان داد. زندگی امام یک زندگی سراسر نور و هدایت و اخلاق و معنویت بود و با آن سرمایه آمد و جهانی را تغییر داد و معادلات عالم را به هم زد. امام در همین جایگاهی که ما هستیم، در محضر استادان و با تلاش و مجاهده با نفس، آن مراحل سوره مزمل را در حد بالایی طی کرد، بعد هم به مرحله قیام به انذار رسید و حرکت اجتماعی خود را به ثمر نشان داد.

تقاضای من از همه این است که گاهی سخنرانی‌های آن دوران امام را گوش کنید،

۱. مزمل (۷۳)، آیه ۹.

۲. مزمل، آیه ۹.

۳. مدثر (۷۴)، آیه ۲.



بینید چقدر با عظمت و با شکوه است و چه دنیایی در این سخنرانی‌ها نهفته است! یک روحانی حدود پنجاه سال پیش از این، در آن شرایط اختناق کشور ما که اصلاً شما نمی‌توانید آن را تصور بکنید، در آن شرایطی که روحانیت و حوزه در آن زمان داشت، قیامشان را شروع کردند. با آن فشار، اختناق و ترس، هراس و غربت مطلق، حرکت خویش را آغاز کرد. آن روز، مثل امروز نبود. امروز یک بیداری اسلامی در جهان وجود دارد، جبهه‌های وسیع اسلامی در دنیا وجود دارند که اگر یک جایی هم فشاری بیاورند، جای دیگر کار خودش را می‌کند. آن موقع این خبرها نبود، آن زمان وقتی در فلسطین یا هر جای دیگر مبارزه هم بود، خجالت می‌کشیدند که بگویند ما مسلمانیم. پرچم اسلام برافراشته نبود و فشار، اختناق، محکومیت، مظلومیت و مطرودیت، بر اسلام، دین و حوزه و قم حاکم بود.

در آن عصر امامی از قم برخاست، و با همین روح الهی و معنوی، حرکت خود را آغاز نمود. شما اگر سخنان آن عزیز سفرکرده را گوش بکنید، می‌بینید که جز انسانی که مراحل عرفانی و سلوک اخلاقی طی کرده، کسی دیگر نمی‌تواند چنین سخنانی بگوید. آن شجاعت، صلابت، عظمت، شکوه و اقتدار و آن فریادهای شکننده بر سر آمریکا و اسرائیل، در آن شرایط، یک حرکت عادی نبود. امروز به برکت انقلاب اسلامی سراسر عالم وارد میدان مبارزه شده است. ولی آن زمان که این‌گونه نبود. ببیند آن وقت امام چه می‌گوید! این شعاع و جلوه‌ای از «قُمْ فَأَنْذِرْ»<sup>۱</sup> است، امام اینها را فهمیده بود و دست‌پرورده مکتب حوزه و مبلغ دین باید این‌گونه باشد. مبلغی که این ابعاد علمی، معرفتی، اعتقادی و عبادی را در خود جمع کرده و آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم را کسب کرده، وقتی به صحنه بیاید، دارای شجاعت، صلابت و حکمت است.

خداوند می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ»<sup>۲</sup>. مفسران مطالب فراوانی در مورد این آیه گفته‌اند. در این آیه به دو مطلب اشاره شده است: یکی دعوت و یکی مجادله. در اینجا دو مرحله از تبلیغ بیان شده است: یک مرحله تبلیغ که دعوت عمومی است؛ می‌فرماید: مردم را به این ارزش‌های

۱. مدثر (۷۴)، آیه ۲.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.



بزرگ الهی فرا بخوان. ولی همیشه به اینجا ختم نمی‌شود و از همین روست که مرحله بعدی مجادله به احسن است. مجادله در جایی است که در مقابل شما یک کسی محاجّه می‌کند. بنابراین، در اینجا هم مرحله دعوت، و هم مرحله مجادله مطرح است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾. «حکمت» محتوای عقلی است و «موعظه» محتوای روحی و عاطفی است و «مجادله به احسن» هم روش هاست.

من به عنوان نمونه، آیاتی را برشمردم که مربوط به تبلیغ است و البته به همین مقدار تمام نمی‌شود. الهامی که من از این آیات می‌خواهم بگیرم، این است که مجموعه‌ای از شرایط برای مبلغ لازم است که با ایامی کوتاه قبل از تبلیغ، نمی‌توان آن را ایجاد کرد. انسان باید سال‌ها زحمت بکشد و تلاش بکند، تا علاوه بر کار علمی و معرفتی، این دنیای معنوی و روحی را پیدا بکند. این مهم‌تر از همه چیز است، اگر انسان‌های با معنویت و دارای روحیه قوی و بصیرت لازم پیدا شدند، آن وقت حتما دنیا را عوض می‌کنند.

﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾؛ امام حسین علیه السلام این آیه را در سفر کربلا قرائت کردند. شما هم در آستانه ورود به ایام تبلیغی ایام محرم همین آیه را محور قرار دهید، و لازمه‌اش این است که ما مجاهده با نفس و مجهز شدن به همه شرایط لازم را فراموش نکنیم.

## ۲. توصیه های رهبر انقلاب

مقام معظم رهبری نیز در سخنان خود آبر محورهای مهمی تأکید کردند: یک محور فرمایش ایشان تأکید بر بُعد اخلاقی و معنوی بود. ایشان از قول فرزند امام، مرحوم حاج احمدآقا فرمودند: امام شب‌ها که به نماز می‌ایستاد، دستمال عادی برای پاک کردن اشکشان کافی نبود و باید با حوله اشکشان را پاک می‌کردند. یک بخش دیگر فرمایش ایشان، تولید اندیشه اسلامی بود. حوزه و علما و فضایی

۱ یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۸.

۲. در دیدار طلاب المصطفی علیه السلام با رهبری در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۳.



که از بلاد گوناگون آمده‌اند و به تعبیر ایشان، پروانه‌های عاشقی که برای آشنایی با معارف زلال و قرآن و دین آمده‌اند، اینها باید بتوانند معارف دین را متناسب با دنیای امروز بازتولید بکنند؛ باید با نوشتن، گفتن، تحقیق، تولید هنری، نشریه و مقاله‌نویسی، و در قالب‌های گوناگون، بتوانند این اندیشه را به دنیای امروز عرضه بکنند. من امروز از بیش از یکصد ملیتی که در المصطفی ﷺ حضور دارند، سؤال می‌کنم که چند اثر از آثار شما در نشریات مهم دنیا منعکس می‌شود؟ ما در چند رسانه مهم دنیا حضور داریم؟ چه مقدار برای تأثیرات عمیق تبلیغیمان در دنیا برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟ ما خادم شما هستیم و دوستان ما تا حدودی تلاش می‌کنند، ولی بار اصلی بر دوش شماست. شما هستید که برای کشورهای مختلف دنیا باید طرح معنوی و فکری و فرهنگی داشته باشید. بنابراین، دومین محور در فرمایش ایشان، تمرکز بر بازتولید اندیشه اسلامی بود. محور سوم در فرمایش ایشان، توجه به جایگاه انقلاب اسلامی و نقش امام و انقلاب اسلامی در دنیا بود. تبلیغ دین خدا امروز بدون آشنایی با انقلاب اسلامی و راهی که امام طراحی کردند، امکان ندارد و اسلام ناب در انقلاب اسلامی و افکار امام تجلی پیدا کرده است.

محور چهارم، تأکید ایشان بر این مسئله بود که قم و المصطفی ﷺ و روحانیت و حوزه‌های شیعه، روش اثرگذاریشان در دنیا، روش علمی و فرهنگی است. راهکار صدور انقلاب هم تولید فکر و فرهنگ است و ما نیازی به روش‌های نسنجیده و افراط‌هایی که گروه‌های افراطی دارند، نداریم. دولت‌های دنیا هم باید به این نکته توجه بکنند. خط و مشی حوزه و المصطفی ﷺ خط و مشی خشونت، روش‌های افراط‌گرایانه، تند و ناصحیح نیست. روش‌های تروریستی و خشونت‌آمیز و افراطی که در منطق شیعه وجود ندارد. شیعه انقلابی که عاشورا و غدیر دارد، شیعه فکری و فرهنگی است و روش‌های نسنجیده و ناصحیح را اتخاذ نمی‌کند.

دانش‌آموختگان المصطفی ﷺ و حوزه، شأنشان یک شأن بزرگ علمی و البته یک اندیشه انقلابی است، ولی نه با روش‌های نسنجیده؛ نه برخلاف مصالح امت اسلام، و نه برخلاف مصالح کشورهای مختلف، ما با همه کشورها دوست هستیم و فکر می‌کنیم که این اندیشه معنوی و الهی و معارف الهی می‌تواند در دنیا به سود ملت‌ها تمام بشود.





این محوری بود که به اشاره در فرمایش ایشان بود و من هم در اینجا بر این نکته تأکید می‌کنم.

محور پنجم صبر و پایداری در مسیری است که شما وارد آن شده‌اید. این مسیر نیاز به صبر و پایداری دارد؛ ﴿وَلْيَبْغِ فَاصْبِرْ﴾ و آن هم صبری که تأکیدات زیادی بر آن عالم و مبلغ دین شده است.

محور ششم این است که در قم باید «بین‌الملل اسلامی» شکل بگیرد. جایی که از ده‌ها کشور دنیا حضور دارند، این ملیت‌های مختلف باید با هم در تعامل باشند، تا در پرتو این تعامل، بین‌الملل اسلامی در همین جا شکل بگیرد. البته این چیزی است که کم و بیش وجود دارد، ولی بر عهده شماست که به این تعامل «میان‌ملیتی» و «میان‌فرهنگی» در قم و در المصطفیٰ ﷺ بیشتر پردازید.

محور هفتم هم اینکه همه این فعالیت‌ها برای انتقال حجم وسیعی از معارف الهی به سراسر جهان است.

این محورهای مهمی بود که رهبر معظم انقلاب در فرمایشات خود مطرح کردند.

### ۳. درخواست‌ها

من در پایان چند درخواست از مبلغان محترم دارم:

۱. همان نکاتی که در بعد معنوی و اخلاقی بیان کردم و همه باید پیوسته به آن متذکر و متوجه باشیم.

۲. تحفظ بر هویت حوزه‌ای و روحانیت و زی‌روحانیت؛ برای همه ما به هر جای دنیا که برویم، مطلوب این است که در حد امکان با لباس روحانیت، با زی‌روحانیت، با آداب و منش اصیل روحانی و حوزه‌ای متناسب با هر کشور و شرایط آن، حضور پیدا کنیم.

۳. مبلغان تلاش کنند بی‌جهت وارد اختلافات محلی بین شیعیان - که ممکن است به لحاظ مسائل مختلفی وجود داشته باشد - نشوند. اگر در جایی وظیفه بود، وارد ماجرا بشوید، ولی اصل بر این باشد که شما پیام خدا را به دنیا منتقل بکنید و وارد آن دعوای محله‌ای و منطقه‌ای نشوید.



۴. ما باید با اهل سنت و سایر مذاهب با نهایت رأفت و مهربانی و فقط با بحث و گفتگو تعامل بکنیم. مصلحت ما و مذاهب اسلامی و مصلحت عالیه اسلام و جهان اسلام، در تقریب و تعامل خوب است. حتی اگر در جایی هم با مشکلی مواجه می شویم، اصل بر این است که با مهربانی، رأفت و دوستی و بحث و گفتگو کار بکنیم. این را هم به همه عالم منتقل بکنید که موضع امام علیه السلام این است. حوزه شیعه و المصطفی صلی الله علیه و آله، هیچ وقت سیاست شیعه سازی ندارد. ما چنین داعیه ای نداریم که با روش های روان شناختی غیر علمی و سطحی بخواهیم مذهب کسی را تغییر بدهیم. ما معارف اهل بیت علیهم السلام را عرضه می کنیم و فضا برای هر انتخابی در دنیا باز است. شیعه سازی و تحمیل مذهب، چیزی نیست که در منطق ما باشد. البته عرضه معارف الهی و اهل بیت علیهم السلام، مهم ترین رسالت ماست و ما به این عرضه و تبلیغ افتخار می کنیم، ولی نه با روش های ناصحیح و تحمیلی و مانند آن. این نکات را عرض می کنم تا دیگران بدانند و اینها به دنیا منتقل شود و آنها بدانند که خط مشی المصطفی صلی الله علیه و آله و علمای دین و علمای شیعه و حوزه های شیعه خط مشی حکیمانانه، مدبرانانه، عالمانه، عاقلانه، همراه با وحدت و انسجام اسلامی و به دور از شیوه ها و روش های ناسنجیده و تند و افراطی و خشونت آمیز است. «هذه سبيلنا»؛ این راه ما و مسیر ماست. ما به انقلاب اسلامی، مبارزه با امریکا، بیداری اسلامی، شجاعت در برابر دشمنان اسلام، به همه اینها معتقدیم و در عین حال، عقلانیت و اخلاق و تدبیر را مبنای حرکت خودمان می دانیم و وحدت اسلامی را جان مایه تبلیغمان به شمار می آوریم و تقویت ارتباط با توده های مردم و نخبگان امت اسلامی را راهی درست می دانیم.

من در پایان تأکید می کنم که فرصت محرم، یک فرصت بی بدیل و بی نظیری است، با فرارسیدن هلال محرم و ایام عزای حسینی علیه السلام و عاشورای سالار شهیدان، پرچم های پرافتخار عاشورا به اهتزاز در می آید و دل ها آماده پذیرش حقایق بزرگی از اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی می شوند. از این فرصت باید با تمام وجود استفاده کرد. از عاشورایی که یک مکتب بزرگ است و در درون آن ده ها الهام و درس وجود دارد، باید بهره ببریم. برای عاشورا زمینه مردمی وجود دارد و عاشورا یک سرمایه بی پایان است و روحانیت در طول تاریخ از این سرمایه استفاده کرده است. ما



باید در همه دنیا از این سنت منبر حسینی بهره ببریم و احیای شعائر حسینی و استفاده از این سرمایه بی‌پایان را سنت کنیم و بحمدالله در خیلی از کشورهایی که این مسئله سابقه نداشته، سنت شده است. این سنت را باید پایه‌ریزی بکنید و با استواری و به درستی و به دور از خرافات و موهومات و پیرایه‌هایی که به آن بسته شده است، از آن در راستای ترویج معارف الهی بهره ببرید.

عاشورا آنقدر لطافت و ظرافت و زیبایی دارد که نیازی به این پیرایه‌ها ندارد. این سنت را به درستی پایه‌ریزی کنید و امیدواریم عاشورای امسال عاشورایی با نشاط و فعال در سراسر عالم باشد و با حکمت و تدبیر، این سنت‌های الهی و شعائر حسینی احیا بشود.

۲۰

